

شهربانی و مدیریت بحران در دولت دکتر مصدق (۱۳۳۰ - ۱۳۳۲)

حسن زندیه^۱، حسین احمدی رهبریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

از صفحه ۱ تا ۲۸

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی

سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۵

چکیده

برقراری آزادی سیاسی و مخالفت با فضای امنیتی از ویژگی‌های دولت‌های دموکراتیک و ملی است، با این حال این دولت‌ها جهت کنترل و مدیریت بحران با چالش‌های سختی روبرو می‌شوند. دولت دکتر مصدق از جمله دولت‌های ملی بود که در جهت کنترل اعتصابات و تظاهرات بزرگ دچار چالش امنیتی جدی شد. در واقع دولت دکتر مصدق از ابتدای کار به علت مشکلات اقتصادی که از عدم موفقیت در فروش نفت نشأت می‌گرفت، با موجی از اعتصابات بزرگ کارگری روبرو شد. حزب توده به‌عنوان یکی از ارکان مخالف دولت، سهم مهمی در سازمان‌دهی اعتصابات و تظاهرات داشت و کشتار و سرکوب مخالفین توسط شهربانی به تضعیف دولت در فضای سیاسی داخل و جامعه بین‌المللی منجر می‌گردید. رؤسای شهربانی در دوره دولت مصدق ده بار تغییر کردند و این تغییرات مکرر از یک‌سو نشان از اعتصابات و تظاهرات گسترده سیاسی و اقتصادی در این دوره و از سوی دیگر عدم موفقیت شهربانی در کنترل ناآرامی‌ها بود. یکی از علل عدم موفقیت شهربانی در کنترل کامل امنیت، ناهماهنگی سیاسی روسای شهربانی با دولتی بود که سیاست مشخص و قاطعی با مخالفین دنبال نمی‌کرد. این پژوهش بر آن است با تکیه بر اسناد و نشریات، ضمن اشاره به اعتصابات و تظاهرات مخالفان دولت، نقش شهربانی در کنترل حوادث را بررسی کند.

کلید واژه‌ها

دولت مصدق، شهربانی، حکومت نظامی، اعتصابات، تظاهرات.

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران ایمیل: hzandieh@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی

مقدمه

درباره شهربانی و نقش آن در مدیریت بحران در دوره نخست‌وزیری مصدق، پژوهش مستقلی انجام نشده است و تنها مطالب پراکنده‌ای در این باره وجود دارد. در واقع در منابع تاریخی وقتی که درباره شخصیت شعبان جعفری و قتل سرتیپ افشار طوس صحبتی به میان آمده، بحث شهربانی نیز به صورت بسیار اندک مطرح شده است و حتی در زندگینامه‌ها و خاطرات رجالی مانند فضل‌الله زاهدی و امیر تیمور کلالی که از روسای شهربانی بودند، مطالب درخوری دیده نمی‌شود. به همین جهت عمده منابع این پژوهش بر اساس اخبار روزنامه اطلاعات در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ش. است که سرشار از مطالب مهم و دست اول درباره موضوع شهربانی و اعتصابات در دوره دولت دکتر مصدق است. در دوره مذکور اعتصابات و تظاهرات بی‌شماری به طرفداری یا علیه دولت صورت می‌گرفت که شهربانی کل کشور می‌توانست جهت نظم و آرامش دادن به اعتصابات سیاسی و اجتماعی، نقش مهمی داشته باشد. این پژوهش درصدد بررسی این موضوع که اقدامات شهربانی و دولت جهت کنترل اعتصابات چه بود و چقدر هماهنگی در این زمینه وجود داشته و اقدامات و راه‌حل‌های امنیتی و سیاسی آن‌ها چه نتایجی در پی داشته است؟

۱. دولت اول مصدق

پس از استعفای حسین علاء از نخست‌وزیری و تشکیل دولت مصدق، عبدالحسین حجازی از شهربانی کنار رفت و فضل‌الله زاهدی در مقام وزیر کشور، ریاست شهربانی کشور را به دست گرفت (روزنامه اطلاعات: ۱۳۳۰، ش ۷۵۲۰، ۸). مهم‌ترین چالش در ابتدای دوره ریاست زاهدی، مسئله اعتصابات کارگران حوزه‌های نفتی جنوب بود. اعتصاب بزرگ کارگران حوزه‌های نفتی به علت افزایش نیافتن حقوق، از اوایل سال ۱۳۳۰ به تحریک حزب توده شدت پیدا کرده بود که با روی کار آمدن دولت مصدق در اردیبهشت‌ماه همان سال کاهش پیدا کرد. با این حال به تدریج بار دیگر اعتصاب‌ها افزایش پیدا کرد و دولت برای جلوگیری از آن، لوایح حکومت‌نظامی را در مجلس شانزدهم به تصویب رساند. در این وقت اعتصاب‌های کارگری دیگری وجود داشت که یکی از نمونه‌های کوچک آن، اعتصاب کارگران چیت‌سازی بهشهر بود که خواهان حسابرسی

سال گذشته شرکت بودند. شهربانی مسببان این حادثه را منتسب به حزب توده دانست و اعتصاب‌کنندگان را بلافاصله دستگیر و زندانی کرد (مرکز اسناد ملی تهران، شماره سند ۲۹۰/۰۰۸۳۱۷). پس از دو ماه سرپرستی زاهدی در شهربانی، دکتر مصدق طی نامه‌ای از شاه خواست تا رئیس شهربانی کل کشور را تعیین کند. شاه، سرلشگر حسن بقایی را برای شهربانی پیشنهاد کرد و مصدق هم پذیرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۱۹). در ۱۹ تیر سال ۱۳۳۰ حسن بقایی رئیس کل شهربانی شد، اما چهار روز بعد، در واقعه ۲۳ تیر بیست نفر کشته شدند که منجر به استعفای زاهدی از وزارت کشور شد، اما دکتر مصدق برخلاف انتظار تظاهرکنندگان استعفا نداد و این اقدام به موقعیت و اعتبار او در سطح بین‌المللی ضربه زد (همان: ۲۲۱). رئیس شهربانی نیز سه روز بعد از واقعه ۲۳ تیر برکنار شد، اما بقایی طی نامه‌ای سرگشاده به دکتر مصدق، مسئولیت واقعه ۲۳ تیر را بر گردن نگرفت و آن را بر عهده زاهدی وزیر کشور دانست (روزنامه اطلاعات: ۱۳۳۰، ش ۷، ۷۵۷۳). زاهدی نیز در دفاع از خود اعلام کرد که اگر پلیس دخالت نمی‌کرد، مجلس مورد هجوم و غارت قرار می‌گرفت و مدعی بود که قانون، حکم تیراندازی بدون دستور نخست‌وزیر در موارد ضروری به او داده است (صفایی، ۱۳۷۳: ۹۹). به هر شکل چند روز بعد، ترتیب محاکمه سرلشگر بقایی آغاز شد و سرانجام وی از اتهامات تبرئه گشت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۰، ش ۸، ۷۵۷۸)؛ اما جرقه‌ای که باعث حادثه ۲۳ تیر سال ۱۳۳۰ شد، ورود اورل هریمن^۱ نماینده رئیس‌جمهور آمریکا به تهران برای یافتن راه‌حل قضیه نفت بود. حزب توده سفر هریمن به ایران را شاهدهی بر اثبات خیانت مصدق خواند و تظاهرات بزرگی در روز ۲۳ تیر بر پا کرد. این اقدامی حساب‌شده برای تضعیف موقعیت و اعتبار مصدق بود که استفاده از سلاح گرم علیه تظاهرکنندگان را بدون اجازه مستقیم خودش منع کرده بود، اما به نظر می‌رسید که مخالفان کمونیست و محافظه‌کار او از پیش برای برهم زدن اوضاع باهم به توافق رسیده بودند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۱۷). به هر شکل باوجود برکناری بقایی و استعفای زاهدی، دکتر مصدق توسط جمال امامی استیضاح شد. مصدق از خود دفاع کرد و گفت برای آنکه ذهن شاه را مشوش نکند، در کار شهربانی دخالت نکرده و آن را گردن سرلشکر بقایی انداخت و نتیجه گرفت که

۱- Averell Harriman

دست‌های پنهانی این توطئه را برای بی‌اعتبار کردن دولت ترتیب داده است (صفایی، ۱۳۷۱: ۱۸۴).

پس از کنار رفتن زاهدی و بقایی، شمس‌الدین امیر علایی به‌عنوان وزیر کشور، شهربانی کل کشور را در اختیار گرفت و مهم‌ترین رویداد در این وقت تمدید حکومت‌نظامی در خوزستان و تعقیب فداییان اسلام به علت تظاهرات بدون مجوز بود (روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۳۰: ش ۷۵۷۰، ۱). در اواخر شهریور سال ۱۳۳۰ سرلشگر منصور مزینی رئیس شهربانی شد (روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۳۰، ش ۷۵۹۹، ۸). باروی کار آمدن مزینی اعلامیه‌های فراوانی از سوی شهربانی در روزنامه‌ها اعلام می‌شد و مزینی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که برخی از افراد شهربانی دزد هستند که مورد شماتت نمایندگان مجلس سنا قرار گرفت. مهم‌ترین اتفاق در دوره وی، تظاهرات دانش‌آموزان و دانشجویان وابسته به حزب توده جهت حمایت از مردم مصر بود که شهربانی آن را ممنوع اعلام کرده بود اما به‌رحال تظاهرات صورت گرفت. درحالی‌که مصدق در امریکا به سر می‌برد، شهربانی شدت عمل به خرج نداد و بدون خونریزی تظاهرات به اتمام رسید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۰ ش ۷۶۵۶، ۱). باین‌حال شهربانی در دوره ریاست منصور مزینی، جدیتی در جلوگیری از اقدامات حزب توده به وجود آورد اما به نظر می‌رسید در کابینه مصدق کسانی مانند دکتر کاظمی وزیر خارجه اعتقاد داشتند چون روس‌ها در سازمان ملل به ایران کمک می‌کنند، اگر از فعالیت حزب توده جلوگیری شود ممکن است آن‌ها از کمک سرباز زنند (کلالی، ۱۳۸۰: ۲۱۴). باین‌حال رئیس شهربانی در جلسات دولت مکرر از خطرات برپایی اعتصابات و میتینگ‌های حزب توده سخن می‌گفت. در همین موقع در اول آبان در دانشگاه تهران اغتشاشاتی روی داد و دکتر سیاسی رئیس دانشگاه از هیئت دولت خواست قوای انتظامی جهت حفظ جان مسئولین دانشگاه گاردی برای حفاظت از دانشگاه تهیه کنند (همان: ۲۲۰). منصور مزینی که ظاهراً اقداماتش با سیاست‌های دکتر مصدق همخوانی نداشت و بعدها نیز بنا بر آنچه مقامات دولتی دکتر مصدق می‌گفتند با زاهدی در توطئه قتل افشار طوس رئیس شهربانی دست داشت، کنار رفت و امیر تیمور کلالی وزیر کار از آذرماه رئیس شهربانی شد. وی در سابق نماینده مجلس در دوره‌های متوالی بود و سابقه نظامی‌گری نداشت. وی در واقع اولین فرد غیرنظامی در شهربانی بود و شاید از این جهت که هم‌زمان وزیر کار

بود، می‌توانست مشکل اعتصابات کارگری را حل کند. مهم‌ترین اتفاق در دوره ریاستش، واقعه ۱۴ آذر بود. شهربانی از دوازدهم آذر اعلام کرده بود که از تظاهرات جلوگیری خواهد کرد، اما حزب توده تظاهرات برگزار کرد. عوامل حزب زحمتکشان همراه با عناصر احزاب سومکا و پان ایرانیست درحالی‌که چوب‌دستی و میله آهنی حمل می‌کردند با شعارهایی به نفع مصدق و علیه حزب توده در خیابان‌ها به راه افتادند و مؤسسات و چاپخانه‌های مخالف دولت را آماج حمله قرار دادند (آبادیان، ۱۳۷۷: ۱۲۹). در اینجا اگر مصدق عملیات را تأیید می‌کرد، بخشی از هواداران خود را از دست می‌داد؛ زیرا وی را عامل سرکوب به شمار می‌آوردند اما اگر عملیات شهربانی را محکوم می‌نمود به راحتی گفته می‌شد که مصدق عامل رواج کمونیسم است (همان: ۱۳۰). در پی واقعه ۱۴ آذر هفت نفر از مدیران جراید تحصن کردند که تا اسفند سال ۱۳۳۰ ادامه داشت (روزنامه اطلاعات: ۱۳۳۰، ش ۷۷۵۹،۵). به هر شکل در پی واقعه ۱۴ آذر برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی مانند جمال امامی و محمدرضا آشتیانی زاده و عبدالقدیر آزاد به شدت از شهربانی و دولت انتقاد کردند (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره شانزدهم، جلسه ۲۱۱) و در پی آن مصدق قول داد قضیه ۱۴ آذر توسط یک گروه ویژه پیگیری شود و این گروه در نهم دی گزارش مفصلی ارائه کرد (روزنامه اطلاعات: ۱۳۳۰، ش ۷۶۹۳، ۸). به هر شکل پس از واقعه ۱۴ آذر که موجب کشتار تظاهرکنندگان شد بیشتر روسای شهربانی کل کشور تغییر کردند و سرلشگر کوپال که قبلاً زمان رضاشاه، رئیس شهربانی بود در اواخر آذرماه سال ۱۳۳۰ به جای کلالی رئیس شهربانی شد (روزنامه اطلاعات: ۱۳۳۰، ش ۷۶۹۳، ۸). در دوره وی حکومت نظامی در خوزستان همچنان ادامه داشت. واقعه خونین در دوره ریاست وی در ۱۹ بهمن در زابل روی داد که منجر به قتل هشت نفر بر سر مسئله انتخابات شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۰، ش ۷۷۴۰، ۸). در همین راستا دولت لایحه حکومت‌نظامی را به مجلس داد. از دیگر اتفاقات در دوره ریاست کوپال در شهربانی، اعتصاب کارمندان جنگلبانی در گرگان، اعتصاب دانشجویان شیراز و همچنین ترور حسین فاطمی در ۲۶ بهمن ۱۳۳۰ بود که منجر به بازداشت محمدمهدی عبدخدایی از اعضای فداییان اسلام و تبعید و زندانی عده‌ای دیگر از فداییان اسلام شد، هرچند به تدریج برخی از آن‌ها از زندان آزاد شدند (روزنامه

اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۱۵، ۵؛ سازمان اسناد ملی، شماره سند ۴۵۶۹/۰۰۴۹۰؛ سازمان اسناد ملی، شماره سند ۲۹۰-۶۰۳۲).

با آغاز سال ۱۳۳۳، شهربانی با چالش‌های اجتماعی بیشتری روبرو شد؛ در نخستین هفته سال، خیابان‌های مرکزی تهران شاهد تظاهرات حزب توده و برخورد خشونت‌بار آن‌ها با گروه‌های طرفدار دولت از جمله حزب زحمتکشان و حزب ایران بود. روز هشتم فروردین میتینگ گسترده‌ای از سوی جوانان دمکرات در میدان فوزیه بر پا شد و شعارهای بسیاری بر ضد دولت و ارتش ایران و دولت انگلیس و به‌ویژه دولت آمریکا داده می‌شد و شعار «آمریکایی به خانه‌ات برگرد» ترجیح‌بند همه شعارها بود و این واکنشی در برابر قرارداد کمک‌های نظامی آمریکا بود که به‌تازگی از سوی دولت تأیید و ادامه کار بیش از یک‌صد و بیست مستشار نظامی آمریکا را در ارتش ایران و چند مستشار نظامی را در ژاندارمری تصویب کرد (صفایی، ۱۳۷۱: ۲۱۸). در این زدوخورد دو تن کشته و ۵۰ نفر زخمی شدند. در سرکوب تظاهرات، نیروهای طرفدار بقایی نقش فعالی داشتند (آبادیان، ۱۳۷۷: ۲۲۲). برای جلوگیری از درگیری‌ها روز دهم فروردین، دولت اعلامیه‌ای جهت جلوگیری از اجتماعات را صادر کرد و از همان روز برای یک ماه حکومت نظامی در تهران و حومه برقرار شد (فاتح، بی‌تا: ۶۰۱). پس از بازگشایی مجلس سنا، دولت لایحه حکومت نظامی را در ۲۱ فروردین به مجلس سنا برد و با وجود مخالفت برخی از نمایندگان از جمله فرخ و کمال هدایت، تصویب شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۷۸۲، ۵). همچنین سه لایحه حکومت نظامی در ۱۳ اردیبهشت در بابل و خوزستان به مدت دو ماه تصویب گردید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۷۹۹، ۱). البته در خوزستان به علت دودستگی میان شهر بهبهان و کهگیلویه و جهت جلوگیری از اغتشاش در شهرهای شوشتر و اهواز و دزفول حکومت نظامی در تیرماه مجدداً تمدید گردید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۵۴، ۱). با این حال ناآرامی‌ها در پی اعتصاب کارگران شرکت ملی نفت در مسجدسلیمان همچنان ادامه داشت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۶۴، ۱). در این میان استعفای دکتر مصدق در پی اختلافات با شاه، موجب تظاهرات هرروزه در تهران شد. در تهران اصناف و بازاریان مغازه‌ها و کارگاه‌های خود را بسته و در میدان مرکزی بازار گرد آمدند و مردم را تشویق کردند تا روز بعد در اطراف مجلس تظاهرات کنند. صبح روز بعد جمعیت پرشماری از بازار به‌سوی مجلس حرکت کردند، کارمندان

دولتی کارکنان راه‌آهن و رانندگان اتوبوس دست از کار کشیدند و جبهه ملی از همه مردم خواست تا در روز ۳۰ تیر دست به راهپیمایی بزنند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۳۴). در غالب خیابان‌های تهران کامیون‌های حامل نظامیان و افراد پلیس پی‌درپی در کنار خیابان توقف می‌کردند و مأمورین به پراکنده ساختن تظاهرکنندگان می‌پرداختند (روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۳۱: ش ۷۸۶۱، ۵). در شهرستان‌ها نیز تظاهرات مستمری شکل گرفت به‌خصوص در رشت از طرف احزاب ایران و زحمتکشان و مجاهدین اسلام تظاهرات مکرری صورت گرفت همچنین در شهرهای مسجدسلیمان، شیراز و تبریز تظاهرات به نفع مصدق برپا شد اما در کرمانشاه با اعلام حکومت‌نظامی شهریانی اوضاع را کنترل کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۶۲، ۱). باروی کار آمدن دولت احمد قوام، در تیرماه ۱۳۳۱، سرلشگر کویال همچنان رئیس شهریانی ماند اما پس از سقوط دولت چندروزه قوام کنار رفت و سرتیپ کاظم شیبانی، رئیس شهریانی شد.

۲. دولت دوم دکتر مصدق

در سوم مرداد ۱۳۳۱ سرتیپ کاظم شیبانی، رئیس شهریانی کشور شد. چند روز بعد سرتیپ کمال، فرماندار نظامی آبادان به تهران آمد و ضمن آنکه خودش را برای ریاست شهریانی آماده می‌کرد، از طراحی کودتای ارتش علیه دولت خبر داد (مکی، ۱۳۷۰: ۳۶۰؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۷۸۶۹، ۱). در دوره ریاست شیبانی از تظاهرات به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت در روبروی کاخ گلستان به علت فقدان مجوز قانونی جلوگیری شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۷۵، ۵)، اما اعتصاب کارگران ریسباف در تهران به علت عدم دریافت حقوق (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۷۲، ۸)، اعتصاب کارگران کارخانه برق به علت تعویق پرداخت حقوق (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۰: ش ۷۸۸۱، ۸) و تظاهرات در سینماهای تهران (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ش ۷۸۸۳، ۸) از جمله مسائلی بود که سرتیپ شیبانی، رئیس شهریانی در مدت کوتاهی با آن روبرو بود. در این وقت همچنین لایحه تمدید سه ماه حکومت‌نظامی در مناطق نفت‌خیز تصویب شد اما لایحه تمدید حکومت‌نظامی در تهران پس گرفته شد و در پی آن تظاهرات خیابانی گسترش پیدا کرد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۷۸۸۰، ۱؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۷۸۷۷، ۱؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۷۸۸۴، ۸) در این میان

سرتیپ شیبانی که خواستار اختیارات بیشتر بود، استعفا داد و همان شب استعفا، به خانه صلح، مرکز حزب سومکا حمله شد و در پی آن تظاهراتی در مقابل ساختمان شهرداری علیه شخص رئیس شهرداری صورت گرفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱: ۸، ۷۷۸۴). پس از پذیرش استعفای شیبانی، سرتیپ کمال، رئیس جدید شهرداری شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱، ۱۰، ۷۷۸۵). سرتیپ کمال فرماندار نظامی آبادان بود که موفق شده بود در فروردین ۱۳۳۰ اعتصاب بزرگ ۳۰ هزارنفری آبادان را با تدابیر نظامی و سیاسی خاموش کند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۰: ش ۷۴۹۵؛ ۹؛ ۱۳۳۰، ش ۷۵۰۱: ۸). هم‌زمان با تغییر رئیس شهرداری از طرف وزارت دفاع، رجال مهم لشگری مانند شاه بختی، کرزن، علوی مقدم و گیلانشاه بازنشسته شدند (روزنامه اطلاعات: ۱۳۳۱: ش ۷۸۸۷، ۱). در این وقت لایحه حکومت نظامی در ۸ منطقه خوزستان بار دیگر تصویب شد و حکومت نظامی در تهران به مدت دو ماه دیگر در دولت تصویب شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۷۸۸۶، ۱). در دوره ریاست سرتیپ کمال در شهرداری، همچنان تحصن و تظاهرات و ناآرامی‌ها ادامه داشت. تحصن کارگران شرکت تلفن، اعتصاب کارگران کارخانه قند کرج، اعتصاب کارخانه مسلسل سازی، اعتصاب کارگران اخراجی کارخانه جات تسلیحات ارتش و تحصن دانشجویان آلمان در سفارتخانه جهت تأمین ارز، اعتصاب دانشجویان دانشکده فنی تهران، اعتصاب و حمله ۳۰۰ نفر از بیکاران به اداره مرکزی شرکت نفت، بازداشت سرلشگر حجازی و برادران رشیدیان و لایحه حکومت نظامی در تهران، از دیگر اتفاقات دوره سرتیپ کمال بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱: ش ۷۸۸۷، ۷۸۹۱-۷۹۰۳-۷۹۱۱-۷۹۱۲-۷۹۳۶-۷۹۲۷ - سازمان اسناد ملی شماره بازایی ۲۰۱۸-۲۹۳).

با توجه به اینکه در مردادماه سال ۱۳۳۱ مصدق از مجلس اختیارات شش‌ماهه گرفته بود، قوانینی جهت حفظ امور انتظامی تصویب کرد. در ۱۸ مهر ۱۳۳۱ لایحه مجازات حمل چاقو و انواع اسلحه سرد و اخلاص در نظم و امنیت عمومی را به تصویب رساند. (روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۳۱، ش ۷۹۲۳، ۱). چهار روز بعد نیز با توجه به اعتصابات گسترده دو سال اخیر در مناطق نفتی جنوب، لایحه مجازات اخلاصگران در صنایع نفت در دولت به تصویب رسید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۷۹۲۸، ۵). اما مهم‌ترین مسئله در این ایام، لایحه قانون امنیت اجتماعی، در اول آبان ۱۳۳۱ بود که در نه ماده به تصویب مجلس هفدهم شورای ملی رسید. به‌موجب آن، امنیت اجتماعی به

مدت سه ماه جهت جلوگیری از اعتصابات در ادارات به اجرا درآمد (کوهستانی نژاد، ۱۳۹۰: ۸۳). پس از اتمام مهلت شش ماه اختیارات قانونی مصدق از مجلس، مجدداً درخواست اختیارات یک‌ساله کرد که این مسئله موجب تظاهرات و زدوخورده مخالفین و موافقین در خیابان‌ها شد. مجلس که مخالف واگذاری اختیارات بود ناچار شد با توجه به حمایت مردمی از مصدق در روز ۱۷ دی با اکثریت به دولت رأی اعتماد داد (فاتح، بی‌تا: ۶۵۰) و در اواخر دی‌ماه مسئله تمدید اختیارات مصدق بار دیگر مطرح شد و تظاهرات فراوانی به نفع مصدق برپا گردید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۸۰۰۵: ۱) در این تظاهرات حزب نیروی سوم، حزب ایران و حزب ملت ایران در آن نقش مهمی داشتند و سرانجام لایحه تفویض اختیارات قانونی به دولت در مجلس تصویب شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱ ش ۸۰۰۶: ۱). پس از تصویب این اختیارات بود که رئیس جدید شهربانی، سرتیپ محمود افشار طوس به‌جای سرتیپ کمال منصوب شد. افشار طوس نسبت خانوادگی با مصدق نیز داشت و قبل از شهریور ۱۳۲۰ رئیس سازمان املاک اختصاصی رضاشاه در شمال بود (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۷۳۰). وی پیش از آمدن به شهربانی، فرماندار نظامی تهران و رئیس دایره آموزش دانشگاه جنگ بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۸۰۰۷، ۱). وی بلافاصله مأموریت داشت که حکومت‌نظامی در هشت منطقه خوزستان را به مدت سه ماه نظارت کند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۸۰۱۰، ۸) و یک ماه بعد لایحه حکومت‌نظامی در تهران و حومه را اجرا کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱: ش ۸۰۳۴، ۹). چند روز بعد از تصویب لایحه حکومت‌نظامی، واقعه ۹ اسفند روی داد که شهربانی افراد زیادی را به علت مخالفت با دولت و توطئه قتل نخست‌وزیر بازداشت کرد. از جمله سپهبد شاه‌بختی و سرلشگر معینی، جمال امامی، غلامحسین فروهر، سرتیپ گیلان‌شاه، عمیدی نوری روزنامه‌نگار، سرگرد خسروانی و دیگران که این میزان از دستگیری‌ها بی‌سابقه بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱: ش ۸۰۴۱). نیروهای انتظامی از میتینگ‌ها جلوگیری می‌کردند، ولی تظاهرات ادامه داشت و شهربانی مجبور شد برای آرامش دادن به مخالفان در ۱۹ اسفند، برخی از بازداشت‌شدگان را آزاد کند (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱، ش ۸۰۴۷: ۱۰). در اسفندماه سال ۱۳۳۱ نیز لایحه قانونی مجازات اعتصاب کارمندان دولت را تصویب کرد که بر اساس آن متخلفان به کسر حقوق یا انفصال از خدمت محکوم می‌شدند.

با آغاز سال ۱۳۳۲ و با توجه به عدم حل مسئله نفت و مشکلات اقتصادی موجی دیگر از اعتصاب‌ها به وجود آمد. در ۱۰ فروردین از اعتصاب کارگران دخانیات جلوگیری شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۰۵۷، ۷)، اما در ۱۴ اردیبهشت به علت عدم تحقق وعده‌های دولت برای اضافه‌حقوق، دوباره اعتصاب کردند و کارخانجات دخانیات تعطیل شد و نمایندگان کارگران حتی حاضر نشدند با نمایندگان وزیر کار و مأمورین انتظامی مذاکره کنند. این تحصن حدود یک ماه ادامه داشت. در این اعتصاب بیش از سیصد و پنجاه نفر از کارگران، محل کارخانه را به تصرف خود درآوردند و به صورت شبانه‌روزی به پاسداری محیط کارشان پرداختند، اما متحصنین توسط نیروی انتظامی از تلگراف‌خانه بیرون آورده شده و وزارت کار اعتصاب کارگران را غیرقانونی دانست (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۰۸۶، ۱). در این ماجرا ۵۱ نفر به زندان انداخته شدند و در روز ۱۷ اردیبهشت کارگران به کار خود بازگشتند (کاظمی، ۱۳۷۸: ۲۹۷). در همین ایام کارخانه چیت‌سازی در حمایت از کارگران دخانیات نیز به اعتصاب پیوستند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۰۸۹: ۱۰). همچنین کارکنان کشتارگاه نیز در اوایل خرداد اعتصاب کردند که شهربانی با خالی کردن یک کامیون سرباز جلوی تظاهرات آن‌ها را گرفت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۰۶، ۸). باین‌حال کشتار کنندگان کار نکردند و دکاکین قصابی گوشت نفروختند ولی شهرداری با همکاری شهربانی با کامیون به مردم گوشت فروخت تا جلوی اعتصاب گرفته شود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۱۵، ۱۲). در ادامه اعتصاب‌ها از ششم تیرماه ۱۳۳۲ بیش از بیست هزار نفر از کارگران کارخانه‌های آجر‌سازی و مصالح ساختمانی دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. این کارگران عمدتاً در جنوب تهران بودند. مأمورین انتظامی از یک‌طرف تجمع کارگران و تظاهرکنندگان جلوگیری می‌کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۲۸، ۱۲) و از طرفی دیگر دولت بازگشت کارگران اخراجی را قبول نمی‌کرد و ۲۵ درصد حقوق اضافه را قبول نکرده و اعتصاب تداوم یافت. در واقع دولت فقط بیمه‌های اجتماعی را قبول کرده بود و همچنین تنها با ۱۵ درصد اضافه‌حقوق موافق کرد ولی کارگران قبول نکردند. اعتصاب چندروزه کارگران کوره‌پز خانه‌ها وضع امور ساختمانی را مختل کرده بود و حمایت نمایندگان کارخانه جات سیلو، چیت‌سازی و کبریت‌سازی با کارگران کوره‌پز اعتصاب را گسترده‌تر کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۳۱، ۸). در پی اعتصاب کارگران

کوره‌پز خانه‌ها، مأمورین انتظامی اقدام به متفرق کردن آن‌ها کردند اما اعتصاب‌کنندگان بار دیگر در اعلامیه خود خواستار ۲۵ درصد اضافه دستمزد، اجرای لایحه بیمه اجتماعی، پرداخت دستمزد ایام اعتصاب، بازگشت کارگران اخراجی و آزادی دستگیرشدگان شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۳۴، ۱). به هر شکل ادامه اعتصاب منجر به آن شد که دکتر عالمی، وزیر کار با کارگران به توافق برسد و ۲۵ درصد به حقوق کارگران افزوده شود (کازمی، ۱۳۷۸: ۳۰۲).

در مردادماه که زمینه‌های کودتا از سوی سرلشگر زاهدی، رئیس سابق شهریانی مصدق در حال طراحی بود اعتصابات شدت بیشتری گرفت. حدود ۳۵۰ نفر از کارگران معدن زغال از ۲۰ تیر دست به اعتصاب زدند و خواستار افزایش ۵۰ درصد حقوق بودند. شهریانی عده‌ای ژاندارم برای حفاظت از انبار دینامیت و حفظ امنیت معدن به آنجا فرستاد. در همین ایام کارگران بنگاه صادراتی امید با همکاری کارگران کوره‌پز خانه‌ها شروع به تظاهرات کردند که از طرف شهریانی دو کامیون پاسبان و سرباز در محل بنگاه مستقر شده و آن‌ها را متفرق کردند. کارگران لوله‌کشی و کارگران معدن گلندرو اعتصابات کارگران معدن زغال در مازندران از دیگر اعتصابات مهم بودند که در این میان چندین آتش‌سوزی بزرگ در بازار تهران به آن اضافه شد. تنها دو روز مانده به کودتای ۲۸ مرداد کارگران کبریت‌سازی، چیت‌سازی، کوره‌پز خانه و سریشم‌سازی میتینگ و تحصن مشترکی را ترتیب دادند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: شماره‌های ۸۱۴۹ - ۸۱۴۹ - ۸۱۵۴ - ۸۱۶۰).

باوجود اعتصاب‌های فراوان در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۳۲، افشار طوس رئیس شهریانی در مقابل ناآرامی‌ها به شدت مقابله کرد و به همین علت نخست‌وزیر مصدق از رئیس شهریانی جهت کنترل اوضاع تهران تقدیر کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۰۷۱، ۵)، اما از سوی دیگر رئیس شهریانی مورد تنفر مخالفان قرار گرفت و زمزمه‌های کودتا از اوایل اردیبهشت‌ماه آغاز شد و حتی گفته می‌شد که غائله شیراز در راستای تضعیف دولت بود. در شیراز در عصر روز چهارشنبه ۱۶ فروردین عده‌ای از طرفداران دولت به رهبری کریم پور شیرازی دست به تجمع زدند اما مخالفان دولت با میرزا نورالدین مجتهد، رهبر حزب برادران روبرو شدند. این گروه مخالف دولت حمایت نیروهای نظامی و انتظامی را با خود داشت (حکیمی خرم، ۱۳۹۲: ۹۸). این درگیری

منجر به دو کشته و برکناری رئیس شهربانی شیراز شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ۸۰۷۱، ۱). در این حادثه رئیس شهربانی شیراز با مخالفین دولت هم‌دست شده بود و به همین علت برکنار شد. در واقع عده زیادی از نظامی‌ها و مأمورین شهربانی با لباس‌های شخصی به مخالفان دولت پیوستند و درگیر شدند (قشقای، ۱۳۶۶: ۳۶۸). به هر شکل چند روز بعد، سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی توسط مخالفین مصدق ربوده و کشته شد و گفته می‌شد غائله شیراز با قتل افشار طوس مربوط بوده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۲۲، ۱). قضیه کشته شدن افشار طوس بسیار مبهم باقی ماند در حالی که طرفداران مصدق اشخاص نزدیک به بقایی را در این ماجرا متهم می‌کردند و از سوی دیگر طرفداران بقایی شخص دکتر مصدق را به دلیل فاش نشدن اسناد ارتباط مصدق با انگلیسی‌ها، مسئول ربوده شدن رئیس شهربانی می‌دانستند (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۳۸).

پس از قتل افشار طوس، سرتیپ نصرالله مدبر جانشین او شد که برای اولین بار فردی از درون شهربانی به ریاست شهربانی رسید. با پیگیری شهربانی در قتل افشار طوس؛ حسین خطیبی، دکتر بقایی، سرتیپ زاهدی، سرتیپ مزینی، سرتیپ منزله، سرتیپ بایندر، سرگرد بلوچ و چند نفر دیگر بازداشت شدند (ترکان، ۱۳۶۴: ۱۳۱). از نظر شهربانی این افراد با ساقط کردن حکومت قصد داشتند سرتیپ مزینی، رئیس سابق شهربانی مصدق، رئیس ستاد ارتش و دکتر بقایی را نخست‌وزیر کنند (همان: ۱۲۴). به هر شکل از این به بعد ناآرامی‌ها شدت بیشتری پیدا کرد و شهربانی جهت جلوگیری کودتای ۲۵ مرداد افراد مختلفی همچون سرهنگ نصیری، سرلشگر باتمانقلیچ، سرهنگ کسرابی، سرتیپ شیبانی را دستگیر کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲: ش ۸۱۶۸، ۱) و در ۲۷ مرداد، شهربانی برای حفظ انتظامات شهر و جلوگیری از هرگونه اغتشاش تلاش زیادی کرد، اما در ۲۸ مرداد سرتیپ دفتری که از اقوام نزدیک مصدق و رئیس پلیس گارد مسلح گمرک در دولت مصدق بود، جانشین مدبر شد، اما حکم دوم ریاست شهربانی خود را از زاهدی جانشین مصدق گرفت (طلوعی، ۱۳۸۸: ۳۰۰). او از زاهدی طرفداری کرد و کودتا صورت گرفت به همین علت حضور وی را باید یکی از عوامل موفقیت کودتا دانست (کینز، ۱۳۸۲: ۲۵۴). مدبر رئیس شهربانی مصدق بازداشت و سرتیپ محمد دفتری رسماً رئیس شهربانی شد و اولین اقدام زاهدی پس از روی کار

آمدن، رفتن به شهربانی بود که در آنجا بازداشت شدگان ۱۹ اسفند سال ۱۳۳۱ را آزاد کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲ ش ۸۱۶۹، ۵). ریاست محمد دفتری در شهربانی بیشتر از یک ماه نبود و جای خودش را به مهدیقلی علوی مقدم داد که در زمان دولت مصدق بازنشسته شده بود.

نتیجه‌گیری

در طول ۲۸ ماه زمامداری دکتر مصدق (۱۳۳۰ - ۱۳۳۲) رئیس شهربانی ده بار تغییر یافت که این تغییرات بی‌سابقه در طول تاریخ شهربانی نشان از وجود اعتصابات سیاسی و اقتصادی کوچک و بزرگ و ناکارآمدی دولت و شهربانی در مواجهه با آن بود. واقعه ۲۳ تیر ۱۳۳۰ که به تحریک حزب توده صورت گرفت به علت عدم همکاری و تعامل زاهدی وزیر کشور، بقایای رئیس شهربانی و مصدق نخست‌وزیر با یکدیگر با خونریزی و کشتار همراه بود و منجر به برکناری وزیر کشور و رئیس شهربانی شد. درحالی‌که به نظر می‌رسید دولت با حزب توده مخالف است، منصور مزینی رئیس شهربانی در این راستای به مبارزه جدی با حزب توده برخاست اما مسئله سیاست خارجی و طرفداری از دولت شوروی منجر به مسامحه با حزب توده شد و در نتیجه منجر به تغییر رئیس شهربانی گردید. پس از وی تیمورکلالی وزیر کار، امور شهربانی را بر عهده گرفت تا مشکلات کاری را بهتر بتواند حل کند اما این روش نه‌تنها مؤثر نبود که موجب واقعه ۱۴ آذر شد که منجر به کشتار دانشجویان وابسته به حزب توده گشت. این واقعه منجر به تغییر مسئول شهربانی و آمدن سرلشگر کوپال شد تا با قاطعیت بیشتری از وخیم شدن اعتصابات و تظاهرات جلوگیری شود ولی با وجود حکومت‌نظامی‌های متعددی در تهران و خوزستان، تظاهرات فروردین ۱۳۳۱ منجر به خونریزی فراوانی شد و پس از استعفای مصدق و آمدن قوام‌السلطنه، کوپال رئیس شهربانی ماند و کشتار ۳۰ تیر را به وجود آورد. این قضیه نشان داد که عملکرد کوپال با سیاست‌های کج‌دار و مریز مصدق همخوانی نداشت و در دولت جدید جایش را به کاظم شبیانی داد که او هم به دلیل نداشتن اختیارات کافی جهت سرکوب حزب توده و همچنین طرفداران خرابکار مصدق استعفا داد. پس از وی سرتیپ کمال روی کار آمد که هم‌زمان با اختیارات قانونی مجلس به مصدق بود. مصدق در این وقت لوایح مربوط به امنیت اجتماعی را به تصویب

رساند اما اعتصابات کارگری همچنان افزایش یافت و مصدق برای سرکوب هر چه بیشتر اعتصابات و تظاهرات افشار طوس را به شهربانی آورد. افشار طوس جدیت و قاطعیت خوبی از خود نشان داد و توانست از توطئه قتل مصدق در ۹ اسفند جلوگیری کند و بسیاری از تظاهرات و اعتصابات را سرکوب کرد اما با توجه به مشکلات اقتصادی و عدم توانایی وزارت کار و دولت در حل مشکلات اعتصابات کارگری و درگیری‌های خیابانی که در سال ۱۳۳۲ به اوج خود می‌رسید ناکام ماند و سرانجام کشته شد. پس از قتل افشار طوس سرتیپ مدبر به‌عنوان تنها فردی که از درون شهربانی به این مقام رسید قضیه قتل افشار طوس را پیگیری کرد و توانست کودتای ۲۵ مرداد را خاموش کند اما باین‌حال از سوی مصدق برکنار شد و کار به یکی از نزدیکان خویش سرتیپ محمد دفتری سپرد که درنهایت از دربار و زاهدی حمایت کرد و کودتای ۲۸ مرداد صورت گرفت. به‌طورکلی عمده اعتصابات کارگری و تظاهرات سیاسی به تحریک حزب توده صورت می‌گرفت اما شکل‌گیری اعتصابات ریشه اقتصادی داشت و حل‌وفصل آن منوط به حل قضیه نفت و مسائل اقتصادی بود و با توجه به حل نشدن آن، بحران‌های سیاسی و اقتصادی روزبه‌روز افزایش می‌یافت. دولت مصدق به پشتیبانی مجلس شورای ملی و اخذ اختیارات به دنبال تصویب حکومت‌نظامی‌های متعدد در مراکز مهم مانند تهران و خوزستان بود اما مخالفین و طرفداران دولت بدون توجه به قوانین امنیتی به خیابان‌ها می‌آمدند و طرفداری شهربانی از یک‌طرف دعوا منجر به درگیری خونین می‌شد. در این میان دولت ملی مصدق نسبت به جریان‌های سیاسی احزاب و گروه‌ها موضع مشخصی نداشت و شهربانی در کنترل و مدیریت بحران ناکارآمد بود، زیرا دولت از شهربانی حمایت قاطعی نداشت.

منابع

- امیر تیمور کلالی، محمدابراهیم (۱۳۸۰)، ناگفته‌هایی از دولت دکتر مصدق، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- آبادیان، حسین (۱۳۷۷)، زندگینامه سیاسی مظفر بقایی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آبراهامیان، پروانه (۱۳۹۱)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ترکان، محمد (۱۳۶۳)، اسنادی پیرامون توطئه و قتل سرلشگر افشار طوس، چاپ و صحافی ۱۲۸.
- حکیمی خرم، مجید (۱۳۹۲)، قشقایی‌ها و نهضت ملی ایران، شیراز: قشقایی.
- سیف زاده، حمید (۱۳۸۹)، گواه تاریخ، قم: سلسله.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۱)، اشتباه بزرگ ملی شدن نفت، تهران: کتاب‌سرا.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۳)، زندگینامه سپهبد زاهدی، تهران: انتشارات علمی.
- صولت قشقایی، محمدناصر (۱۳۶۶)، سال‌های بحران، به تصحیح نصرالله حدادی، تهران: رسا.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۸)، معماهای تاریخی رازهای گشوده در تاریخ معاصر ایران، تهران: علم
- فاتح، مصطفی (بی‌تا)، پنجاه سال نفت، انتشارات کاوش، بی‌تا.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۵)، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: مرکز.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲)، مصدق و نبرد قدرت، تهران: رسا.
- کاظمی، بهزاد (۱۳۷۸)، ملی‌گرایان و افسانه دموکراسی، لندن: چاپخانه پریسا.
- کوهستانی، مسعود (۱۳۹۰)، شبه قوانین، لوایح قانونی دکتر محمد مصدق، تهران: کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کینز، استیون (۱۳۸۲)، همه آدم‌های شاه، ترجمه منیژه شیخ جواد، تهران: پیکان.
- مکی، حسین (۱۳۷۰)، سال‌های نهضت ملی، تهران: انتشارات علمی.

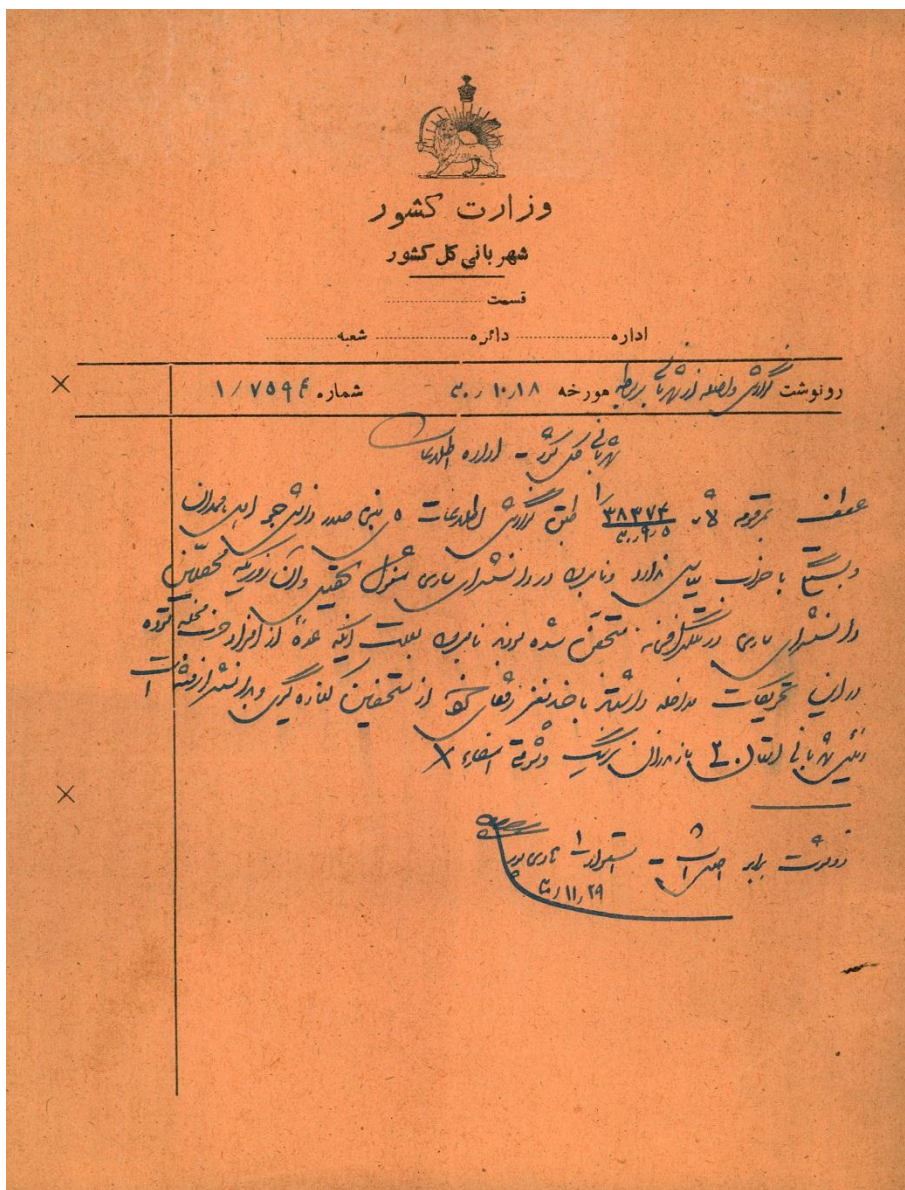
مقالات

- روزنامه اطلاعات سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲.

- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، صورت مذاکرات مجلس شانزدهم، ج ۴.

اسناد منتشر نشده

- سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۰۱۸-۲۹۳.
- سازمان اسناد تهران، شماره سند ۶۰۳۲-۲۹۰.
- سازمان اسناد ملی، شماره سند ۰۰۴۵۶۹-۲۹۰.
- مرکز اسناد ملی تهران، شماره سند ۰۰۸۳۱۷-۲۹۰.



سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۹۰-۶۰۳۲ اعتصاب در دانشسرای کشاورزی شیراز ص ۱

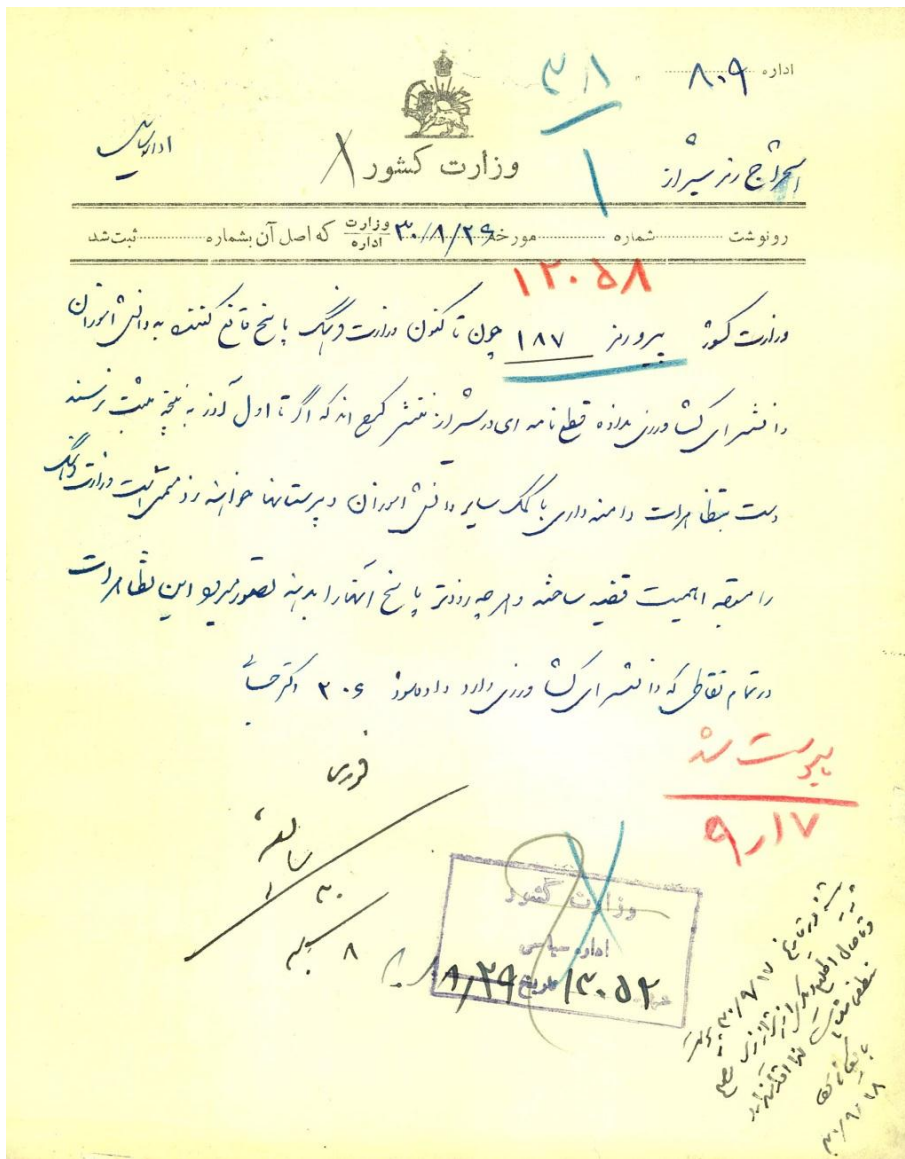
| | | | |
|----------------|-------------|----------------|--------|
| شماره عمومی | شماره خصوصی | جزوه دان | پرونده |
| | ۷۷۱۲ | ۱۲۵۸ | |
| وزارت کشور | | اداره | |
| موضوع پیش نویس | | موضوع پیش نویس | |
| ضمیمه | | ضمیمه | |
| پاکنویس کننده | | پاکنویس کننده | |
| تاریخ ثبت | | تاریخ ثبت | |
| ۱۳۳۰/۸/۱۴ | | ۱۳۳۰/۸/۱۴ | |
| تاریخ بازنویس | | تاریخ بازنویس | |
| ۱۳۳۰/۸/۱۴ | | ۱۳۳۰/۸/۱۴ | |

وزارت فرهنگ

استادان محترم هیئت معارف اطمینان به در نظر ایشان
 واقفان کرام در این باره اعتصاب کرده و تقاضای آنکه
 در این باره واقفان را از این طرف تقاضای صلح شده تعیین کرده
 فراموشی نگذارند و تقاضای صلح شده تعیین کرده
 کزین جهت ابرام در پیوسته و آن است
 بجهت وزارت کشور استحضار آنجا

از طرف آقایان
 دکتر کرمی
 دکتر کرمی

سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۹۰-۶۰۳۲ اعتصاب در دانشسرای کشاورزی شیراز ص ۲




سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۹۰-۶۰۳۲ اعتصاب در دانشسرای کشاورزی شیراز ص ۳

| | |
|-----------------|-------------------|
| نوع پیش نویس | شماره عمومی ۳۷۷۱۴ |
| موضوع پیش نویس | شماره خصوصی |
| ضمیمه | جزوه دان ۱۳۵۸ |
| پاکتویس کننده | پرونده |
| تاریخ خروج ۱۳۳۰ | تاریخ ثبت ۳۷۸۴۱۴ |
| وزارت کشور | تاریخ پاکتویس |
| اداره | تاریخ باکتویس |
| دایره | |
| شعبه | |

| | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|
| <p>تذکره به کتبی استعلام شد لایحه اطمینان به مدیران و افسران وزارت کشاورزی به جهت اطلاع که از مدرکات مدرکات مدرکات مدرکات دانستند بفرمانت تصدیق از مدرکات مدرکات مدرکات مدرکات گردانند و در مدرکات مدرکات مدرکات مدرکات در مدرکات مدرکات مدرکات مدرکات</p> <p>ایضا مدرکات مدرکات مدرکات مدرکات در مدرکات مدرکات مدرکات مدرکات</p> | <p>حرف سحرمان</p> <p>۴۸</p> <p>۱</p> <p>بابت شخص خود</p> <p>X</p> |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|

سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۹۰-۶۰۳۲ اعتصاب در دانشسرای کشاورزی شیراز ص ۴



وزارت کشور
 شهربانی کل کشور

رونوشت گزارش کلاتوری ۱۴ مورخه ۳۱/۸/۲۵ شماره ۵۹۱

X گزارش

محتوما "بعضی میروساند در ساعت ۷ روز ۳۱/۸/۲۵ اطلاع حاصل گردید که یکمده از کارگران مسلسل سازی دست از کار کشید و اعتصاب نمود ه اند فوراً " مراتب از تلفونا " بنفوماننداری نظامی و کلا تتو نگهبان و آجودان کل اطلاع داد ه از طرف فرمانداری نظامی یکمفر سوهنگ دوم با دو کامیون عد ه در محل حاضر و داخل کارخانه ه مسلسل سازی شدند از طرف کلا تتوی نیز معاون با یکمده ه پاسبان اعزام گردیدند که اطراف کارخانه را تحت مراقبت قرار داد ه و از اغتشاش جلوگیری نمایند در نتیجه مذاکراتی که بنوسيله افسر فرمانداری بعمل آمد در ساعت ۳ بعد از ظهر اعتصاب خاتمه یافته و اتفاق قابل عرضی رخ نداد ه است .

X کلا تتو ۱۴ - سوهنگ میر طلوعی

رونوشت بوابه با اصل است - ۵۵


سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۹۳-۲۰۱۸-اعتصاب کارگران مسلسل سازی ص ۱

| | | |
|----------------|-------------|---------------|
| نوع پیش نویس | شماره عمومی | ۲۱۱۱۲۱ |
| موضوع پیش نویس | شماره خصوصی | ۱۹۵۸ |
| ضمیمه | وزارت کشور | ۴۱ |
| پاکتویس کننده | اداره | اسطوانات |
| | دایره | شعبه |
| تاریخ خرویش | تاریخ ثبت | تاریخ پاکتویس |
| ۱۳۳ | ۷/۱۰ | ۱۳۷۱۳ |

۹
۴

وزارت دفاع
رودارستان لاریجان
۵۹۱
۱۳۶۱۲۵
۱۳۶۱۲۴
۱۳۷۱۳

۱۰
۷/۱۰

سازمان اسناد تهران، شماره سند ۲۹۳-۲۰۱۸-اعتصاب کارگران مسلسل سازی ص ۲

| | |
|----------------------|------------------|
| نوع بایش نویس | شماره عمومی ۷۵۸۴ |
| موضوع بایش نویس | شماره خصوصی |
| ضمیمه | جزوه دان ۲۲۴۹ |
| پاکنویس کننده | پرونده |
| تاریخ خروج ۱۳۳۰/۸/۲۷ | تاریخ ثبت |
| تاریخ باکنویس | تاریخ ثبت |

وزارت کشور
اداره

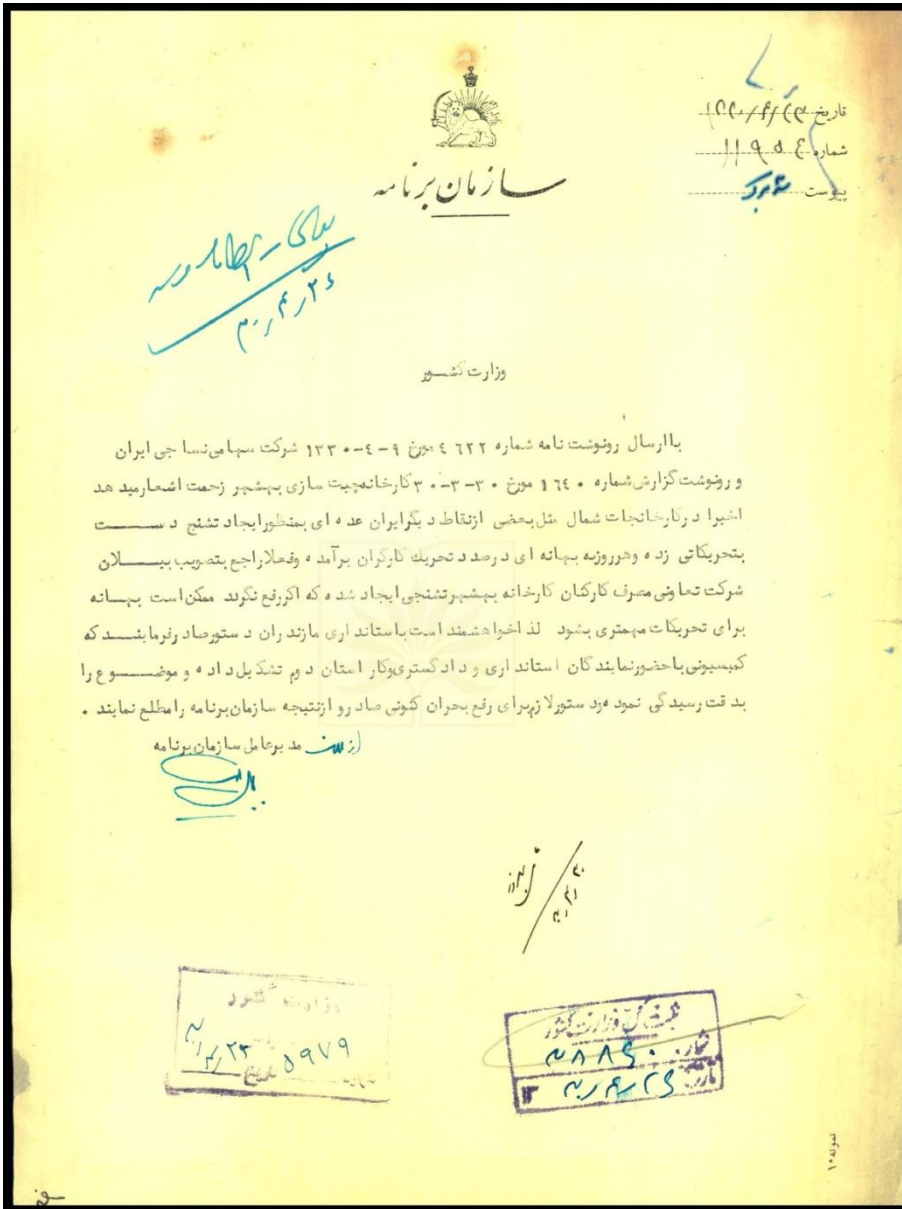
دائرة

فهرست
وزارت کشور
طوریچه از شربا لکر که در گزارش میدیه میت نم از امانت بلجین خاگان
از نظر کتبه چپا به حقوق آنها بر جسته نشد در روز ۳/۷/۳۰ در دفتر خاگان
تکلیف شده که خواننده استقرائما از جبهه کتبه کتبه برنج نکات لکسر آورد
وزارت کشور در کتبه انرا -


۱۴
۱
سنا

۲۰/۸/۳۰
۲۱
۲۰/۸/۳۰

اعتصاب کارمندان جنگلبانی در گرگان ص ۱ سازمان اسناد ملی، شماره سند ۰۰۴۵۶۹/۲۹۰



اعتصاب کارگران جیت سازی بهشهر ص ۱ (مرکز اسناد ملی تهران، شماره سند ۲۹۰/۰۰۸۳۱۷)

| | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|
| نوع پیش نویس موضوع پیش نویس ضمیمه با کتویس کننده تاریخ خراج ۱۳۳۰/۹/۱۲ |  وزارت کشور اداره بیمار دایره شعبه تاریخ با کتویس | شماره عمومی ۵۸۹۹ شماره خصوصی ۵۸۹۹ جزوه دان پرونده تاریخ ثبت تاریخ تحریر |
|-----------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|

مخبرانه

جناب آقای دکتر وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
 گزارش شد که در تاریخ ۱۳۳۰/۹/۱۲ در بیمارستان ...
 به شهر ...
 عیناً ...
 با ...

برقرار
 دکتر ...
 ۱۳۳۰/۹/۱۲

اعتصاب کارگران چیت سازی بهشهر ص ۲ (مرکز اسناد ملی تهران، شماره سند ۲۹۰/۰۰۸۳۱۷)

| | | | |
|---------------------------|----------------------|------------|----|
| ن - ۳۶۵ | | شماره کتاب | |
| گیرنده | | ۷۹ | |
| وزارت بست و تلگراف و تلفن | | تلا | |
| سال ۱۳۳۰ | | تلگراف | |
| تاریخ وصول | تعداد کلمه تاریخ اصل | قبض | از |
| روز | توضیحات | تلگراف | ب |
| ماه | | | |
| ۴ | ۴ | | ۵ |

خبرنامه روزنامه روزگار تهران
 تقدیر از خنده در برابر بیگانه است که آنرا خنده سپید و مکرر کن
 بطور قطع هر که در دستگیر است بنده در آید ام به برادر است نموده بود
 دیده ام آنرا فخر است نیز بوده با تلگراف زیر بر سر آردش گاه
 در کار خنده در برابر و شغل رسید به پرونده هر چه میباید
 به معنای گزند گزند و بود در معنی است

تاریخ کشور
 اداره تلگراف تهران
 تاریخ ۲۷/۳/۳۰
 ۱۹۹۶۹
 ۱۳۰۴/۵

اعصاب کارگران چیت سازی بهشهر ص ۳ (مرکز اسناد ملی تهران، شماره سند ۲۹۰/۰۰۸۳۱۷)

